

## انقلاب اسلامی ایران و گفتمان سیاسی شیعه در لبنان

غلامرضا خواجه سروی\*

مریم رحمنی\*\*

### چکیده

دغدغه اصلی پژوهش حاضر پاسخ‌گویی به این سؤال بوده که انقلاب اسلامی ایران چه بازتابی بر گفتمان سیاسی شیعه در لبنان داشته است؟ به همین منظور تلاش شد با کاربست دو روش گفتمان لاکلا و موف و نظریه پخش، مدلی تحلیلی ارائه شود که در سنجش آن به ارزیابی فرضیه اصلی مقاله، یعنی اینکه انقلاب اسلامی ایران با تأثیرگذاری خود موجب پویایی، فعال و انقلابی شدن اندیشه سیاسی تشیع در کشور لبنان شده است، پرداخته شود. به منظور اثبات فرضیه، سعی شد هژمونیک شدن دال استکبارستیزی و ایجاد گفتمان مقاومت که نمود عینی آن حزب‌الله لبنان است، مورد بررسی قرار گیرد.

### واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی ایران، گفتمان سیاسی شیعه، لبنان، گفتمان مقاومت.

### مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به عنوان پدیده‌ای نادر، منجر به تحولاتی عمیق گردیده و بدین سبب از ابعاد و جهات مختلف و متنوع بارها مورد تحلیل و تفاسیر متعدد قرار گرفته است. بررسی بازتاب‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی در سطح بین‌الملل اسلامی و همچنین در مقیاس بین‌المللی و جهانی را باید از مهم‌ترین مسائل انقلاب اسلامی و اساسی‌ترین موضوع از دیدگاه رهبری انقلاب تلقی کرد. طرح

khajehsarvy@yahoo.com

m22aryam@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۱۸

\*. دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی.

\*\* دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی.

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۲۷

مسئله صدور انقلاب از روزهای اولیه پیروزی آن توسط حضرت امام علیه السلام، نشانگر این حقیقت بود که انقلاب اسلامی در ذات خود بیانگر، تحولی ایدئولوژیکی در رابطه با مسلمانان و مستضعفان جهان است. (عمید زنجانی، ۱۳۷۶: ۳۵۱) انقلاب اسلامی ایران به موازات تحولات داخلی، زمینه‌ساز روندی از رخدادها و تحولات در جوامع اسلامی نیز بوده و جریان‌ها و نهضت‌های اسلامی را در کشورهای مسلمان تحت تأثیر قرار داده، اما بیشترین اثر را در تعالی گفتمان سیاسی شیعه به دنبال داشته است و گفتمان سیاسی نوین شیعه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی توانسته برای مهم‌ترین چالش‌های اساسی رو در روی خود پاسخ مناسبی پیدا کرده و از حالت سکون و انجماد به حالت پویایی و تحول برسد.

بنابراین بر پایه مطالب مذکور و با توجه به تأکید بر صدور انقلاب و لزوم اتحاد و وحدت کلمه مسلمین و به خصوص شیعیان سراسر جهان، یافتن ظرفیت‌ها و ابعاد جدید و ناگفته گفتمان انقلاب اسلامی ایران، امری ضروری می‌نماید. از میان این ظرفیت‌ها، شناخت تأثیرات انقلاب بر گفتمان سیاسی شیعه می‌تواند گامی در جهت حل مشکلات جهان اسلام، تولید ادبیاتی جدید در حوزه جنبش‌های اسلامی و پاسخ‌گوی بسیاری از مسائل امروز دنیای اسلام و منطقه و راهکاری برای شناخت بیشتر و بهتر این گفتمان و مکان‌های مبدأ و مقصد ونحوخش آن باشد.

با توجه به مطالب پیش گفته، هدف اصلی این نوشتار پاسخ‌گویی به این سؤال است که انقلاب اسلامی ایران چه بازتابی بر گفتمان سیاسی شیعه در لبنان داشته است؟ فرضیه ما این است که پیروزی انقلاب اسلامی ایران توسط هر سه نوع پخش: جابه‌جایی، سلسله مراتبی و سرایتی یا واگردار بر احزاب و اندیشمندان شیعه در لبنان تأثیر داشته و با هژمونیک کردن دال استکبارستیزی، موجب انسجام، پویایی، فعال و انقلابی شدن گفتمان سیاسی شیعه، در جهت مقابله با ظلم و تجاوز به این کشور و خصوصاً شیعیان آن و شکل‌گیری گفتمان مقاومت بود.

به منظور مدلل کردن سخن خود، برآنیم در قالب دو روش گفتمان لاکلا و موف و نظریه پخش، به بررسی بازتاب پخش گفتمان انقلاب اسلامی ایران، بر گفتمان سیاسی شیعه در لبنان بپردازیم.

### سپهر نظری

محدوده کار ما در این مقاله، محدوده گفتمانی است. این روش که یک روش تحلیل کیفی است، تأکید بر فرآیندهای اجتماعی دارد که مولد معناست. (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۷) برخی نیز گفتمان را فنون تحلیلی‌ای می‌دانند که برای آشکار ساختن الگوهای فهم، باور، ارزش و ساختار ایمان مندرج در گفتمان به کار می‌رود. (میلز، ۱۳۸۸: ۱۳) در میان تعاریف مختلف گفتمان، کاربردی‌ترین روش گفتمانی، تحلیل گفتمان لاکلا و موف است. نظریه گفتمان در نزد این دو اندیشمند با سیاست و اجتماع پیوند خورد.

## ۱. نظریه گفتمان لاکلا و موف

ارنستو لاکلا و همسر وی، شنتال موف، با استفاده از نظریه فوکو نظریه گفتمانی را به همه امور اجتماعی و سیاسی گسترش می‌دهند و می‌کوشند با استفاده از این نظریه جامعه معاصر را تحلیل کنند. در این دیدگاه امور اجتماعی و سیاسی و به طور کلی جهان واقعیت تنها در درون ساخت‌های گفتمانی قابل فهمند. آنها معتقدند هیچ چیزی به خودی خود دارای هویت نیست، بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرار گرفته است کسب می‌کند. بر این اساس نوعی نسبی‌گرایی در این نظریه وجود دارد و هیچ چیز بنیادینی وجود ندارد که به سایر پدیده‌ها معنا و هویت ببخشد. (حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۳۴ - ۵۳۳)

لاکلا و موف در تبیین بهتر نظریه گفتمانی خود مباحث دیگری را مطرح می‌کنند از جمله این مباحث عبارتند از:

دالهای شناور: نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند تا به آنها به شیوه خاص خود معنا ببخشند. گفتمان‌هایی که بتوانند با جذب این دال‌ها به ابهام و خلأ معنایی موجود پایان بخشند، در دسترس عوامل اجتماعی قرار می‌گیرند و امکان هژمونیک شدن آنها فراهم می‌شود. قابلیت اعتبار: پذیرش یک گفتمان شرط دیگری نیز دارد و آن قابلیت اعتبار است. یعنی اصول پیشنهادی گفتمان نباید با اصول اساسی آن گروه اجتماعی ناسازگار باشد.

دال مرکزی: هسته مرکزی منظومه گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد. مفاهیمی که در یک گفتمان مفصل‌بندی می‌شوند، حول یک مفهوم یا دال مرکزی شکل پیدا می‌کنند. (همان: ۵۴۰ - ۵۳۹)

زنجیره هم‌ارزی و تفاوت: در عمل مفصل‌بندی، دال‌های اصلی با یکدیگر در زنجیره هم‌ارزی ترکیب می‌شوند و در مقابل هویت‌های منفی دیگری قرار می‌گیرند که به نظر می‌رسد تهدیدکننده آنها باشند. زنجیره هم‌ارزی در تقابل با خصم و غیر و با جذب عناصر شناور و تبدیل آنها به وقته، ایجاد می‌شود. بنابراین منطق هم‌ارزی شرط وجود هر صورت‌بندی است.

شرایط وجودی یک گفتمان وابسته به غیر است؛ لاکلا معتقد است خصوصیت عملکردی دوسویه دارد: از یک سو، مانع عینیت و تثبیت گفتمان‌ها و هویت‌هاست و از سوی دیگر، سازنده هویت و عامل انسجام گفتمانی است. (همان: ۵۴۵)

## ۲. نقد نظریه گفتمان لاکلا و موف و کاربرد آن در ادبیات دینی

در تعریف نظریه گفتمان لاکلا و موف گفتیم که آنها معتقدند هیچ چیز بنیادینی وجود ندارد که خارج از گفتمان به بقیه پدیده‌ها معنا و هویت ببخشد، اما از طرفی آنها در کتاب «سیاست و ایدئولوژی در تئوری مارکسیستی» می‌گویند که اصول پیشنهادی گفتمان نباید با اصول بنیادین جامعه ناسازگار

باشد و در جای دیگر، بحث قابلیت اعتبار را در مورد پذیرش یک گفتمان مسلط مطرح می‌کنند و اعتبار یک گفتمان را در ناسازگار نبودن اصول پیشنهادی گفتمان و اصول اساسی گروه اجتماعی مطرح می‌کنند. در این قسمت، آنها سخن قبلی خود را نقض کرده‌اند؛ زیرا بر اساس نظر خود آنها پیرامون قابلیت اعتبار، نتیجه می‌گیریم که خارج از گفتمان معنا و هویت وجود دارد. همین امر نسبیّت را بدان شکلی که آنها در نظریه خود مطرح می‌کنند، رد می‌کند و در این حالت، مفهوم غیریت می‌تواند به ایجاد گفتمان کمک کند، اما با از بین رفتن غیر و دشمن این گونه نیست که گفتمان کاملاً از بین برود. اگر گفتمان‌ها در پاسخ به نیازهای اجتماعی به وجود می‌آیند، پس مفصل‌بندی دال‌های یک گفتمان نمی‌تواند تصادفی باشد و در پاسخ به بحران‌های به وجود آمده در یک زنجیره هم‌ارزی مفصل‌بندی می‌شوند.

با وجود انتقادهای مطرح شده به نظریه لاکلا و موف، باید گفت که این نظریه ویژگی‌های زیادی دارد که آن را جزء نظریه‌های گفتمانی مهم در حوزه علوم انسانی قرار داده است. (اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۳۳۹) این نظریه در تحلیل و تبیین مسائل دینی، خصوصاً در حوزه کاری ما که مربوط به مقوله گفتمان سیاسی شیعه است، به دلیل همین مشخصه‌هایی که برشمردیم، خصوصاً تأکید بر نقش رهبران، بسیار کارآمد و مفید می‌باشد. لذا در این پژوهش، ما با توجه به موضوع مورد بحث و تعاریف مختلف گفتمانی و توجه به برآیند این تعاریف که گفتمان به مثابه نظام باورها و ارزش‌ها است، نظریه گفتمانی لاکلا و موف را - با در نظر گرفتن نقدهایی که به این نظریه برای اولین بار در این پژوهش وارد آمده - به عنوان روش تحقیق این مقاله برمی‌گزینیم، ولی با توجه به نوع کار از نظریه پخش نیز برای توضیح چگونگی این تأثیر کمک می‌گیریم.

### ۳. تئوری پخش

هاگر استراند با ارائه تئوری پخش به یک نوع آینده‌نگری در پخش نوآوری‌ها و پدیده‌ها در جهان می‌پردازد. این تئوری، چنین می‌نماید که انسان همواره مشتاق و ادامه دهنده نوآوری‌ها و دریافت‌کننده پدیده‌های تازه است و در همین راستا، مفهوم، پخش فضایی معنا می‌یابد. نظریه پخش در فضای جغرافیایی عبارت است از: گسترش یک پدیده از یک کانون یا کانون‌های محدود در میان مردمی که آماده پذیرش آن پدیده می‌باشند. این گسترش در طول زمان صورت می‌گیرد. (شکوئی، ۱۳۸۸: ۳۰۱)

در واقع، اشاعه یا پخش عبارت است از فرآیندی که بر طبق آن یک امر فرهنگی (یک نهاد یا یک اختراع فنی و جز آن) که علامت مشخصه یک جامعه است، در جامعه دیگری به عاریت گرفته شده و مورد پذیرش قرار می‌گیرد. (برزگر، ۱۳۸۲: ۴۲)

برای توضیح دقیق‌تر این امر، به تقسیم‌بندی هاگر استرند اشاره می‌شود. وی چند نوع پخش را تشخیص داده است:

الف) پخش جابه‌جایی: پخش جابه‌جایی، زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌های دارای یک ایده مخصوص، به طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به این طریق، ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش یابند. مذاهب با اعزام مبلغان مذهبی با پخش جابه‌جایی، اشاعه یافته‌اند.

ب) پخش سلسله مراتبی: در این نوع از پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله مراتب گسترش می‌یابد. ایده‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر، یا از یک مرکز شهری مهم به مرکزی دیگر گسترش می‌یابد.

ج) پخش سرایتی یا واگیردار: در این نوع پخش، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب صورت می‌گیرد. این فرآیند به شدت تحت تأثیر فاصله قرار دارد.

#### ۴. مدل تحلیل بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر گفتمان سیاسی شیعه

پس از ارائه تعاریف گفتمان و پخش و بررسی ویژگی‌های آنها، در ادامه به ارائه یک مدل تحلیل برای بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر گفتمان سیاسی شیعه می‌پردازیم.

از میان ویژگی‌هایی که برای گفتمان و پخش ذکر شد، مشخصه‌های ذیل از این دو نظریه به عنوان مدل تحلیل این پژوهش به کار می‌روند:

۱. قابلیت اعتبار که می‌گوید اصول پیشنهادی گفتمان نباید با اصول اساسی جامعه ناسازگار باشد.
۲. مفهوم غیریت یا خصومت که می‌گوید، حضور دیگری می‌تواند در شکل‌دهی به گفتمان مؤثر افتد.
۳. دال مرکزی که هسته مرکزی منظومه گفتمانی را تشکیل می‌دهد.
۴. زنجیره هم‌ارزی، دال‌های اصلی با یکدیگر در زنجیره هم‌ارزی ترکیب می‌شوند و نشانه‌های با محتوایی می‌سازند.
۵. نقش رهبران که در ایجاد زنجیره هم‌ارزی بسیار مهم است.
۶. پخش جابه‌جایی که با جابه‌جایی فرد یا گروه حامل اندیشه همراه است.
۷. پخش سلسله مراتبی که با پذیرش نوآوری از سوی فرد مهم و تأثیرگذار، پدیده به سرعت به کل قاعده منتقل می‌شود.

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، کشورهای هم‌جوار و منطقه خاورمیانه و جهان اسلام به طور خاص، و جهان به طور عام، تحت تأثیر عظمت این رخداد و پیام‌های جهانی و منطقه‌ای آن قرار گرفت. ابداعات سیاسی و فرهنگی ایران همچون هر نوآوری دیگری به شدت برای مسلمانان جذاب

و شگفت‌انگیز بود. بنابراین، انقلاب اسلامی، کانون پخش و تراوش در منطقه شد. (برزگر، ۱۳۸۲: ۵۶)

گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان گفتمان غالب در منطقه خاورمیانه به تناسب و فراخور شرایط و احوال، خرده‌گفتمان‌هایی را نیز به دنبال دارد. مثل گفتمان مقاومت، گفتمان استکبار ستیزی، گفتمان عدالت و ... یعنی دال‌های گفتمان انقلاب اسلامی می‌توانند با توجه به شرایط در نقاط مختلف خرده‌گفتمان‌هایی را ارائه دهند.

دال مرکزی این انقلاب اسلام است و یکی از بحث‌های محوری در آن که دغدغه اصلی مسلمانان و خصوصاً شیعیان نیز هست، بحث رهبری جامعه اسلامی و نوع همکاری با حاکم است. در نتیجه برای تصدی حاکمیت جامعه مسلمین، به دست آوردن قدرت امری ضروری می‌نماید که این امر با پیروزی انقلاب اسلامی میسر شد. پیروزی انقلاب موجب شد، تفکر سیاسی شیعه از حالت سکون خارج شده و گفتمان سکوت، به یک گفتمان پویا و فعال تبدیل شود. این گفتمان معطوف به قدرت است و ریشه در اصول ثابت و بنیادین جامعه دارد. لذا نشانه‌ها و دال‌های آن نیز ثابت بوده و حالت نسبی ندارند. اما با توجه به شرایط موجود و نیاز جوامع و بحران‌هایی که در هر زمان خاصی ممکن است ایجاد شود، یک دال از دال‌های اصلی گفتمان هژمونیک می‌شود و خرده‌گفتمان خاصی را به وجود می‌آورد. در این میان، مناطقی که دارای همان اصول و معانی ارزشی هستند نیز، تحت تأثیر آن گفتمان مسلط قرار می‌گیرند و ما شاهد پخش این گفتمان در آن مناطق هستیم.

به طور کلی این گفتمان، گفتمان نو و مرکب از خرده‌گفتمان‌های جهان‌شمول و پیام‌های دارای مخاطب عام و فراگیر است که از طریق تأثیرگذاری سلسله‌مراتبی و جابه‌جایی، جامعه مخاطب خود را به شکل اولویتی متأثر می‌کند و ویژگی‌های خود را به آن انتقال می‌دهد. در این بین اولویت با کشورهایی است که دارای ترکیب جمعیتی قابل توجه شیعه هستند، لذا در این پژوهش برآنیم تا تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر گفتمان سیاسی شیعه را در لبنان - کشور مسلمان دارای ترکیب جمعیتی مؤثر شیعه - بررسی کنیم و در این پژوهش، برای آزمون فرضیه از جزئیات واقعیات تاریخی استفاده کرده‌ایم. (لینکلتر، ۱۳۸۵: ۷۳)

گفتمان سیاسی شیعه در لبنان تاریخ پرفراز و نشیبی داشته، ولی قطع نظر از این تاریخ که بی‌ارتباط با ایران هم‌نبوده باید گفت خاستگاه معاصر آنان کاملاً در پیوند با انقلاب اسلامی ایران تعریف شده است.

#### قابلیت اعتبار گفتمان سیاسی شیعه در لبنان

لبنان پرجمعیت‌ترین کشور نسبت به وسعت خاکی خود در خاورمیانه بوده و ساختار سیاسی و

جمعیتی‌اش به قدری گوناگون و متنوع است که بسیاری از مشکلات کنونی این کشور ناشی از این ساختار منطقه‌ای و ناهمگن است. در لبنان مشکلات معمول که در دگرگونی اجتماعی همه کشورها وجود دارد، با ترکیب مذهبی و فرقه‌ای منحصر به فرد آن عجین شده است. هیچ یک از فرقه‌های عمده مذهبی این کشور اکثریتی را تشکیل نمی‌دهند (نانت، ۱۳۷۹: ۱۵) و شیعیان لبنان اگرچه به لحاظ جمعیت در اکثریت قرار دارند، اما یک اقلیت سیاسی در بین دیگر اقوام مارونی، دروزی و سنی‌ها هستند که به نسبت جمعیت خود در فرایند تاریخی رودرویی گروه‌ها بر سر قدرت، سهم ناچیزی کسب کرده‌اند. (امرای، ۱۳۸۳: ۲۳۵)

نه تنها در جیل عامل، بلکه در کشورهای عربی دیگر نیز در طول تاریخ و در عصر حاضر تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ما شاهد غالب شدن گفتمان سیاسی شیعه نیستیم. در واقع، گرفتاری اصلی حکومت‌ها در دنیای عرب، این است که غاصبانه خود را نماینده و مظهر مردم و ملت می‌دانند (ای فولر، ۱۳۸۴: ۱۰۹) و از آنجایی که که اکثر حکومت‌های این کشورها، سنی مذهب هستند لذا اساساً گفتمان سیاسی شیعه را نادیده می‌گیرند و با در تنگنا قرار دادن شیعیان، جلوی رشد این گفتمان را می‌گیرند. در این بین شیعیان لبنان نیز از این قاعده مستثنا نبودند. جامعه شیعه در واقع زمانی در لبنان به رسمیت شناخته شد که فرانسه قیمومیت لبنان را در دست گرفت. پس از دهه ۱۹۶۰ م تا ابتدای جنگ داخلی در سال ۱۹۷۵ م، جامعه شیعه به یکی از عناصر مهم و اساسی میدان مبارزه در لبنان تبدیل گردید. یکی از ویژگی‌های مهم این سال‌ها برای شیعیان لبنان عبارت بود از رشد جمعیتی که باعث مهاجرت به سمت بیروت شد. (امرای، ۱۳۸۳: ۲۳۶ - ۲۳۵)

همان‌طور که پیشتر ذکر شد، شیعیان در جامعه عرب از قدرت و موقعیت اجتماعی مناسبی برخوردار نبودند. اما در این بین شیعیان لبنان نخستین جامعه شیعی هستند که به منزله یک گروه در جهان عرب جدید به قدرت سیاسی نظری دست یافته‌اند. آنان طی دوره‌ای سی ساله، به قدرتمندترین نیروی سیاسی در لبنان کنونی تبدیل شده‌اند.

درباره صعود موقعیت شیعیان لبنان بررسی‌های عالی و گوناگونی صورت گرفته است و تکرار آن در اینجا لزومی ندارد. شگفت‌انگیزترین ویژگی این رویداد نقش سرنوشت‌ساز امام موسی صدر بود. این روحانی لبنانی‌تبار ایرانی در سال ۱۹۵۹ برای جانشینی مفتی (مرجع دینی) شیعیان که به تازگی فوت کرده بود و سرپرستی این جامعه، وارد لبنان شد. موسی صدر در دوران استثنایی بیست ساله حضورش در لبنان، عاملی شتاب‌دهنده برای بسیج شیعیان در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی بود. صدر با شخصیت فرهمند و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر خود توانست نوعی احساس هویت و غرور را در شیعیان متبلور سازد و آنان را با سنت گسترده‌تر شیعی در جهان اسلام پیوند دهد. وی با تأسیس

مدارس، مراکز آموزش حرفه‌ای، بیمارستان‌ها و مؤسسات خدمات اجتماعی دیگر، تلاش‌های نخستینش را به افزایش عزت نفس شیعیان اختصاص داد تا بدین وسیله، شیعیان با دیگر بخش‌های تحصیل کرده و تعلیم یافته جامعه لبنان در یک سطح قرار گیرند. وی در ادامه، اقدام به تشکیل تشکل‌های سیاسی و شبه نظامی نیز کرد که از جمله آنها، جنبش امل، تأسیس مجلس اعلای شیعیان لبنان و ... است.

امام موسی صدر برای رفع محرومیت‌ها و مشکلات شیعیان، همزمان با تقویت بنیه دینی و اعتلای بینش ایشان، سعی کرد با دمیدن روحیه خودباوری و تلاش در رفع محرومیت از این طایفه، اندیشه خود را به سایر طوایف نیز گسترش دهد؛ در واقع اتخاذ رویکرد جدید توسط شیعیان و تجدید حیات هویتی شیعه باعث شده بود شیعیان لبنان به دنبال اهداف سیاسی باشند و به تغییر در نظام سیاسی - طایفه‌ای لبنان برای رسیدن به اهداف خود تمایل یابند. (همان: ۲۲۶) ولی بازی تأسف بار روزگار در برابر نقش چشم‌گیر صدر در لبنان این بود که در همان حالی که او به تدریج، در اواسط دهه ۱۹۷۰، در وارد کردن جامعه شیعی به نظام حکومتی لبنان به پیشرفت‌های جدی نایل می‌آمد، در سال ۱۹۷۸، به طرز مرموزی در اثنای دیدارش از لیبی ناپدید گشت. (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۴۰۱ - ۳۹۷)

با ناپدید شدن امام موسی صدر جامعه شیعیان لبنان دچار مشکلات جدی شد، اما با آگاهی‌های ایجاد شده توسط وی و گسترش فعالیت سیاسی - نظامی شیعیان در راستای ایفای حقوق خود، طایفه شیعه به یک گروه پویا و معترض به وضع موجود شیعیان لبنان تبدیل شدند. در واقع اقدامات امام موسی صدر، با خود یک تغییر نگرش در گفتمان سیاسی شیعه را به دنبال آورد و گفتمان سکوت به گفتمان اعتراض به ظلم که همان گفتمان نهضت عاشورایی امام حسین علیه السلام بوده و کاملاً با گفتمان انقلاب اسلامی ایران همخوانی دارد، تبدیل شد. این امر به منزله آن است که گفتمان از قابلیت اعتبار لازم در این منطقه برخوردار است.

#### تأثیر غیر (دشمن) در پخش گفتمان انقلاب اسلامی ایران در لبنان

با رבוته شدن امام موسی صدر، از یک سو شیعیان لبنان رهبر خود را از دست داده بودند و از سوی دیگر اقتدار و کارآمدی رهبران سنتی جامعه شیعه در اداره امور شیعیان کاهش یافته بود و آنان دیگر قادر به حفظ موقعیت خود نبودند. از طرفی اسرائیل که در دهه ۱۹۸۰ با تغییر دکترین امنیت ملی خود به لبنان حمله کرده بود، جدی‌ترین چالش خود را مقاومت گروه‌های اسلامی غیر دولتی می‌دانست (اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۳۴۷) و این در حالی بود که احساس می‌شد دولت لبنان و جنبش امل توان مقابله در برابر حملات اسرائیل را نخواهد داشت.



با این وضعیت، امید شیعیان در داشتن آینده‌ای بهتر کم‌رنگ شد و زمانی که احساس می‌شد آنان دیگر قادر به حفظ موقعیت خود نباشند، پیروزی انقلاب شیعی در ایران، آنها را به آینده امیدوار کرد و زمینه‌ساز احیای مجدد نهضت شیعی لبنان و الهام‌بخش رهایی مردم شیعه در مبارزه با اسرائیل شد. پس از انقلاب اسلامی، شیعیان لبنان نیز با حمایت مستقیم از سوی یک کشور انقلابی و مصمم که در پی صدور آرمان‌های انقلاب بود، در صدد برآمدند تا موقعیت سیاسی - اجتماعی خود را در لبنان ارتقا دهند. (نوری، ۱۳۸۹: ۳۹۲) در همین راستا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وارد لبنان شد. با استقرار سپاه در بقاع، نه تنها آمادگی نظامی برای رزمندگان حاصل شد، بلکه افکار و دیدگاه‌های انقلاب اسلامی و امام خمینی نیز به صورت گسترده‌ای بدان‌جا منتقل شد و جمهوری اسلامی به مبارزان شیعی یا سازمان‌هایی همچون «جنبش امل»، «حزب‌الله» و «الجهاد» که در آنها شبه نظامیان مسیحی و مسلمان در کنار هم، مبارزه می‌کردند و هدف نهایی‌شان ایجاد حکومت اسلامی بود، کمک‌های مادی، آموزشی و مالی عرضه کرد. (همان: ۳۷۶)

همه این مسائل، عامل تحریک‌کننده‌ای برای ظهور جنبش‌های اصول‌گرایی شیعه بود که امروزه حزب‌الله سمبل این اثرپذیری بوده است؛ به گونه‌ای که وقوع انقلاب ایران فعالیت جنبش‌های شیعی لبنان را در صدر دیگر جنبش‌های اسلامی خاورمیانه قرار داد. (امرای، ۱۳۸۳: ۲۶۸) نطفه این حزب با الهام از امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران و در سال ۱۹۸۲، در پی اشغال حومه بیروت توسط اسرائیل شکل گرفته بود. (طاهری، ۱۳۸۸: ۲۰۷ - ۲۰۶) مدتی مخفیانه به فعالیت‌های نظامی علیه اسرائیل مبادرت ورزید ولی بالاخره در ۶ ژانویه ۱۹۸۴ به صورت رسمی بیانیه‌ای منتشر کرد که هدف آن، احساس نیاز به اهرم فشار سیاسی در صحنه داخلی بود. حزب‌الله در این بیانیه ضمن معرفی خود و اعلام به تبعیت از ولایت فقیه با رهبری امام خمینی، خواهان تشکیل دولت اسلامی بر پایه «نهضت مقدس ایران» شد.

#### انقلاب اسلامی ایران و جایگاه رهبری در اندیشه سیاسی حزب‌الله

به لحاظ ساختاری، نقش‌آفرینی شیعیان منطقه به دلیل نفوذ مرجعیت و رهبری عالمان دینی از انسجام و سازماندهی منظمی به نسبت دیگر جنبش‌های اسلامی برخوردار است؛ چراکه عامل رهبری در جهان تشیع مرز مشخصی نداشته و گاه حرکت‌های شیعی کشوری، تحت تأثیر مراجع و رهبران مذهبی کشوری دیگر بوده است. (زمانی محبوب و مهربان، ۱۳۹۱: ۵۴۱) بر همین اساس ایدئولوژی حزب‌الله نیز از انقلاب اسلامی ایران الگو گرفته است و به اتحاد جدایی‌ناپذیر میان رهبری مذهبی و سیاسی همان‌گونه که در حضرت محمد ﷺ مجسم بود تأکید دارد. به این دلیل، فقهای عالی رتبه مسئولیت

پاسداری از پیام الله را به عهده دارند. این نوع پاسداری مذهبی - سیاسی، تئوری‌های محمد باقر صدر و امام را که در ایران به اجرا گذاشته شد، تشکیل می‌دهد. (امری، ۱۳۸۳: ۲۳۹)

حزب‌الله نمونه عینی یک جنبش شیعی انقلابی است که در طی دو دهه، از یک تشکیلات اسلامی کوچک در عرصه سیاسی لبنان به یکی از مهم‌ترین احزاب در این کشور مبدل شد. این حزب به عنوان یک جنبش مخالف سیاسی و اجتماعی و به دنبال شکست دولت لبنان از اسرائیل و تحت تأثیر آرمان‌هایی که انقلاب اسلامی ایران در میان شیعیان لبنان پدید آورد، ریشه گرفت. سمبل‌های اسلامی ایران مورد قبول و احترام حزب‌الله لبنان است. بدون شک هواداری از اسلام که توسط طرفداران حزب‌الله اختیار شده، یکی از رادیکال‌ترین تأثیرات انقلاب ایران در جهان اسلام است. شعارهای حزب‌الله از ایران اسلامی عاریه گرفته شده است و تئوری سیاسی که حزب‌الله به آن متعهد است، اصل رهبری دولت توسط ولی فقیه است. (عمران درگاهی، ۱۳۸۱: ۲۸) پیروزی انقلاب شیعی در ایران، ضمن ایجاد اعتماد به نفس در میان جامعه شیعه لبنان، تبدیل به الگویی برای مبارزه علیه اشغال و بی‌عدالتی در جامعه لبنان شد.

#### اعلام موجودیت حزب‌الله و شکل‌گیری گفتمان مقاومت

همان‌طور که ذکر شد، در ۶ ژانویه ۱۹۸۴ حزب‌الله اعلام موجودیت کرد. اعلام موجودیت حزب‌الله باعث شد که از این تاریخ به بعد این جنبش بدون هیچ مانعی به گسترش عملیات خود علیه تجاوز و اشغالگری به خاک لبنان دست بزند. از جمله این اقدامات، عملیات‌های چریکی حزب‌الله علیه حضور آمریکا در لبنان بین سال‌های ۱۹۸۳ و ۱۹۸۶ (که اغلب با نام «جهاد اسلامی» صورت می‌گرفت) بود که طبیعتاً موجب ناراحتی بسیار و خشم امریکایی‌ها می‌شد.

دلیل این اقدامات روشن بود؛ زیرا امریکایی‌ها حامیان محکم اسرائیل و دشمن شیعیان بودند. در سال ۱۹۸۳، با وساطت ایالات متحده توافقی بین لبنان و اسرائیل صورت گرفت که اکثر شیعیان و نیز سنیان آن را خیانت و مغایر با منافع خود می‌دانستند. نیروهای یگان دریایی آمریکا که در اصل وظیفه حمایت از نیروهای چندملیتی حافظ صلح سازمان ملل متحد را در لبنان بر عهده داشتند، در سال ۱۹۸۴ خود به طور جدی به جبهه‌گیری پرداختند و زمینه گلوله باران روستاهای دروزی در نواحی کوهستانی به دست ایالات متحده را فراهم ساختند. این گونه اقدامات آمریکا که عملاً در جهت منافع اسرائیل قلمداد می‌شد، موجب اقدامات تلافی‌جویانه حزب‌الله شد و در نهایت به خروج کامل نیروهای ایالات متحده و عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی تا «کمر بند باریک امنیتی» در جنوب لبنان انجامید. هیچ گروه سیاسی و چریکی دیگری در خاورمیانه نتوانسته است به چنین موفقیتی

دست یابد و با توسل به زور، سربازان آمریکایی و اسرائیلی را به چنین عقب‌نشینی بهت‌آوری وادار سازد. (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۴۱۴ - ۴۱۳)

#### آثار و پیامدهای منطقه‌ای عملیات حزب‌الله و عقب‌نشینی اسرائیل

این عقب‌نشینی که تحت فشار عملیات‌های استشهادی حزب‌الله صورت گرفته بود، موجب حیرت همگان شد. رابین رايت خبرنگار آمریکایی در این خصوص می‌نویسد:

در طول تاریخ کشور یهود اسرائیل، این اولین بار بود که یک دولت یهودی تحت فشار یک کشور عربی به عقب‌نشینی تن داده بود ... اسرائیل به عنوان چهارمین قدرت نظامی جهان، اولین شکست خود را تجربه کرده و جنوب لبنان به صورت یک ویتنام در آمده است.

در واقع با این عقب‌نشینی، شکست در جنوب لبنان تنها نگرانی اسرائیل نبود، بلکه آنها نگران احیای رادیکالیسم شیعه و سرایت روش مبارزاتی حزب‌الله بر مسلمانان نوار غزه و کرانه باختری رود اردن بودند که عملاً نیز به زودی تحقق این واژه، در شروع انتفاضه فلسطین نمود یافت. (طاهری، ۱۳۸۸: ۲۰۹ - ۲۰۸) بیرون رفتن اسرائیل از جنوب بیروت که غیر از ناتوانی اسرائیل در مقابل گفتمان مقاومت لبنان، با هدف مشخص حذف غیر و از بین رفتن گفتمان مقاومت بود. در واقع، اسرائیل با این کار می‌خواست اتحاد حزب‌الله - ایران - سوریه را در منطقه خدشه دار کرده و باعث تضعیف گفتمان مقاومت شود. در عمل هم در ابتدا ما با چالش‌های گفتمانی چندی روبه‌رو شدیم. این امر اتحاد بین شیعیان را کمی دچار مشکل کرد و در سال ۱۹۸۸ درگیری خونینی بین حزب‌الله و امل در گرفت که تأثیری منفی در موقعیت شیعیان لبنان به جا گذاشت اما خوشبختانه این مشکل، با وساطت ایران و روسیه در اکتبر ۱۹۹۰ پایان یافت. (تلاشان، ۱۳۸۸: ۱۴)

طرح اسرائیل در نهایت، با شکست روبه‌رو شد و گفتمان مقاومت از بین نرفت؛ زیرا این گفتمان ریشه در اصول بنیادین جامعه دارد؛ زیرا خرده گفتمانی از گفتمان سیاسی شیعه است که ریشه در نهضت عاشورایی امام حسین علیه السلام دارد و دال مرکزی آن اسلام است و با اصول ثابتی همخوانی دارد که به آن شانس بقا می‌دهند و با از بین رفتن دشمن از بین نرفته و فقط ممکن است گفتمان مسلط نباشد. همچنین ثابت شد که این طرز تلقی، ناشی از اشتباه محاسباتی اسرائیل و عدم شناخت درست گفتمان سیاسی شیعه بوده است.

عقب‌نشینی اسرائیل در این مقطع، بزرگترین پیروزی سیاسی - نظامی را برای حزب‌الله رقم زد و برای اولین بار در تاریخ مبارزه با این رژیم، شکستی را به آن تحمیل کرد که ارتش‌ها عربی از انجام

آن عاجز بودند. (کچویان، ۱۳۹۱: ۱۴۶) به‌طور کلی عملیات‌های شکل گرفته از سوی حزب‌الله در این دوره که تحت تأثیر مستقیم ایران بوده است، نتایج مثبتی در لبنان در بر داشته است که عبارتند از:

بازنگری برخورد رهبران اسرائیل با لبنان، افزایش احساسات حماسی در منطقه، برافروخته شدن آتش انتفاضه فلسطین به امید آزادسازی همه جانبه قدس، رسوایی نیروهای اسرائیلی در پنهان شدن پشت ماشین جنگی و ترس از رویارویی با مسلمانان. (طاهری، ۱۳۸۸: ۲۱۰ - ۲۰۹)

پس از پیروزی‌های حزب‌الله علیه اسرائیل، در عرصه منطقه‌ای، الگوی مقاومت به فلسطین سرایت کرد. با تلاش نیروهای جهادی در فلسطین، سرانجام گروه حماس به عرصه قدرت دست یافت. اسرائیل نیز به ناچار با رسمیت یافتن حماس در سال ۲۰۰۴ با این جنبش آتش‌بس کرد. همچنین در عرصه داخلی نیز حزب‌الله در راستای اتحاد با گروه‌های سیاسی لبنانی به خصوص گروه‌های شیعی، روابط نزدیکی با این گروه‌ها ایجاد کرد و با یاری جنبش امل به رهبری نبیه بری، در صدد مذاکره با سایر گروه‌ها برای ایجاد وحدت ملی و تقویت توان نظامی حزب‌الله علیه اسرائیل برآمد. در میزگردهایی که با عنوان «گفت و گوهای ملی» به ابتکار عمل نبیه بری رئیس پارلمان لبنان آغاز شد، حزب‌الله با حضور فعال تلاش کرد تا نشان دهد که در صحنه سیاسی لبنان با هیچ کس رقابتی ندارد و هدفش صرفاً حمایت از لبنان و تمامیت ارضی آن در برابر رژیم صهیونیستی است و در این راستا در صدد برآمد تا گروه‌های دیگر را در مورد ضرورت حفظ توان نظامی خود قانع کند. لذا بسیاری از گروه‌ها نیز در جریان این گفتگوها قانع شدند و بدین ترتیب هم‌پیمان‌های خوبی در میان جناح مسیحی به دست آمد که مهم‌ترین آن جریان میشل عون به عنوان یک نیروی قدرتمند در لبنان بود که در این زمینه تفاهم‌نامه‌ای با حزب‌الله امضا کرد. در آخرین جلسات گفتگوی ملی، سید حسن نصرالله با ارائه طرح «استراتژی دفاعی لبنان»، از همه گروه‌ها خواست تا درباره آن بحث و بررسی کنند. وی تأکید کرد که در مقابل اسرائیل باید توان دفاع را حفظ کرد و حزب‌الله حاضر است در چارچوب این طرح، امکانات خود را در اختیار بگذارد و با همه گروه‌ها همکاری کند. از آنجا که اسرائیل و آمریکا همه تلاش خود را بر خلع سلاح حزب‌الله متمرکز کرده بودند تا راه را برای اجرای طرح‌های خود در منطقه باز کنند، لذا با استمرار فشارها و جنگ تبلیغاتی، این شائبه را طراحی و دامن زدند که در لبنان با وجود حاکمیت دولت، فعالیت یک گروه نظامی خارج از چارچوب‌های قانونی دولت مجاز نیست. در همین راستا بود که پیشنهاد حزب‌الله مورد توجه قرار نگرفته و بدین ترتیب گفتگوها برای ایجاد وحدت ملی در مقابله با اسرائیل به نتیجه نرسید. اسرائیل به منظور استفاده بهینه از این وضعیت و برای رهایی از بن بست نظامی و سیاسی حاکم در عرصه

داخلی لبنان، پایان بخشیدن به حضور حزب‌الله، نبود کردن مقاومت و تضعیف حرکت اسلامی جهادی در لبنان و فلسطین، به اقدام عملی در رفع موانع نیاز داشت. لذا آنها در نخستین گام برای بیرون رفتن از بن بست، سواحل غزه را موشک باران کرده و غیر نظامیان بی‌گناه در هنگام گذراندن تعطیلات تابستانی جانشان را از دست دادند. در پی تلافی نیروهای حماس در اسیر کردن یک سرباز اسرائیلی، ارتش اسرائیل با حمله‌ای گسترده به دولت منتخب فلسطین، تعداد زیادی از وزرا و سیاستمداران دولت حماس را به اسارت برده و دفتر نخست وزیری را منفجر کرد. پس از بروز این رخدادها، حزب‌الله که شاهد ادامه تجاوزات اسرائیل در فلسطین و جنوب لبنان بود، به منظور باز پس‌گیری بقیه اسیران خود، در عملیاتی به اسیر کردن دو سرباز اسرائیلی در ۶ ژوئن ۲۰۰۶ مبادرت ورزید که این عملیات نقطه آغاز درگیری‌های چند جانبه اسرائیل با نیروهای حزب‌الله بود.

### گفتمان سیاسی شیعه در لبنان و جنگ ۳۳ روزه

رژیم اسرائیل که خود را با چالش‌های امنیتی روبه‌رو می‌دید، در یک فرصت مناسب، با بهره‌برداری از فضای مساعد بین‌المللی ناشی از اشغال عراق و بحران هسته‌ای ایران، در راستای برنامه‌های راهبردی آمریکا در تشکیل خاورمیانه جدید، با حمایت مستقیم از سوی آمریکا و برخوردار از کمک‌های غرب، به امید فتح زودهنگام لبنان، بمباران شهرهای لبنان و نقاطی که مواضع حزب‌الله می‌نامیدند را از سر گرفت و برای دستیابی به اهداف خود، حملات وسیعی را در ابعاد نظامی، هوایی، دریایی و زمینی آغاز کرد.

اسرائیل با ویران کردن زیرساخت‌های اقتصادی لبنان به کشتار مردم غیر نظامی پرداخت و در طول ۳۳ روز، جنگ ویرانگری در لبنان، جریان داشت. اسرائیل در این جنگ برای تأثیرگذاری بیشتر بر صحنه داخلی لبنان و ایجاد شکاف بین گروه‌ها در حمایت از حزب‌الله، تمامی نمادهای شیعی را در سراسر لبنان مورد هجوم قرار داده و به دنبال این بود تا فضا را در داخل لبنان به سمت یک جنگ داخلی سوق دهد. لذا در بین سایر گروه‌ها و مردم این‌طور شایع کرده بود که حزب‌الله آغازگر جنگ بوده و به چیزی غیر از منافع خود نمی‌اندیشد.

در واقع این اقدام اسرائیل بهانه‌ای بود تا بتواند حمایت‌های گروه‌های لبنانی به خصوص شیعه را از حزب‌الله سلب کند؛ این در حالی بود که علاوه بر حمایت حزب‌الله از سوی افرادی همچون امیل لحود، میشل عون، ولید جنبلاط و ... از سایر طوایف، از میان گروه‌های شیعی نیز حزب‌الله برای اتحاد با آنها، از نیبه بری درخواست کرد که حزب‌الله صحنه نظامی جنگ را اداره کرده و وی نیز به عنوان رئیس مجلس و رهبر جنبش امل، صحنه سیاسی را رهبری کند. بدین ترتیب حزب‌الله با مساعدت‌های سایرین، توانست با فعالیت‌های چریکی و حمله موشکی به شهرهای اسرائیل، نقطه

عطفی را در تاریخ خاورمیانه رقم زند و اسرائیل با ۶۰ سال تدارک و تجهیز ارتش خود نتوانست بر چند سال تجهیز و تدارک حزب‌الله غلبه کند.

در این جنگ بر خلاف تمام جنگ‌های اسرائیل با اعراب که اسرائیل در یک مدت کوتاه به پیشرفت‌های برق‌آسا دست پیدا می‌کرد و ارتش اسرائیل مناطق گسترده‌ای را اشغال می‌کرد، اما در این جنگ پس از ۳۳ روز، باز هم ارتش اسرائیل در مرز لبنان مشغول جنگ با حزب‌الله بود و قادر نبود که وارد خاک لبنان شود و برای رفع تهدید حزب‌الله در مناطق مرزی خود، تنها به فکر امنیت مرزهای خود با لبنان بود و سرانجام نیز برای نجات اسرائیل از باتلاق جنوب لبنان، قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت به منظور قطع بمباران شهرهای لبنان توسط اسرائیل و پایان یافتن موشک باران شمال اسرائیل از سوی حزب‌الله صادر شد. در واقع، صدور این قطعنامه و برقراری آتش بس، راه محترمانه خودداری اسرائیل از ادامه عملیات بی‌فایده نظامی بود.

### ۱. نتایج و پیامدهای جنگ ۳۳ روزه

تهاجم وسیع و همه‌جانبه اسرائیل به لبنان در ژوئیه ۲۰۰۶ / تیرماه ۱۳۸۵ که ۳۳ روز به طول انجامید، نقطه عطفی در منازعات اعراب و اسرائیل است. جنگ ۳۳ روزه که در واقع ششمین جنگ اسرائیل و اعراب به شمار می‌رود، در مقایسه با جنگ‌های پیشین اسرائیل طولانی‌تر و در نوع خود بی‌نظیر و از ابعاد مختلف و متفاوتی دارای اهمیت فوق‌العاده و منحصر به فرد است. (شفیعی و مرادی، ۱۳۸۷: ۴۱)

در این جنگ علی‌رغم خرابی‌های زیاد در زیرساخت‌های اقتصادی لبنان، اسرائیل نتوانست مردم لبنان را علیه حزب‌الله بشوراند و در مقابل، حزب‌الله لبنان به عنوان یک گروه چریکی کوچک، به رغم حمایت‌های بی‌دریغ آمریکا و سایر هم‌پیمانان، اسرائیل را در اجرای برنامه‌هایش ناکام گذارده و با دفاع از حیثیت خود، تحولی شگرف در مناسبات سیاسی و نظامی منطقه پدید آورده است و در نتیجه نتوانست اسطوره ارتش اسرائیل را به عنوان یک ارتش شکست‌ناپذیر زیر سؤال ببرد. این اقدام پیروزی سیاسی برای حزب‌الله در میان اعراب و مسلمانان محسوب می‌شود که از جهات بسیاری مدیون انقلاب اسلامی ایران می‌باشد. در این زمینه نبیه بری به سه عامل مهم در پیروزی حزب‌الله در این جنگ اشاره کرد که دو مورد آن به نقش تأثیرگذار ایران اشاره دارد؛ آنها عبارتند از:

۱. فضای عمومی که انقلاب اسلامی در منطقه و از جمله لبنان به وجود آورد.
۲. آموزش‌هایی که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عناصر حزب‌الله در روزهای اول تشکیل حزب‌الله داد.
۳. عملکرد میدانی و کاربرد خوب سلاح و تجهیزات از سوی حزب‌الله. (طاهری، ۱۳۸۸: ۲۳۵ - ۲۲۸)

تهاجم گسترده اسرائیل با پیروزی رزمندگان مقاومت اسلامی پایان یافت و به تبع این موفقیت، معادلات داخلی لبنان، اسرائیل و منطقه دستخوش تغییر و تحولات جدید و اساسی گردید. در این میان جمهوری اسلامی ایران بر مبنای روابط سیاسی و معنوی ویژه‌ای که از بدو شکل‌گیری حزب‌الله با این جنبش داشت، بی‌تأثیر و به دور از آثار و پیامدهای این جنگ در ابعاد مختلف سیاسی - نظامی نماند. به طور کلی آثار و پیامدهای این جنگ عبارتند از:

#### یک. ارتقای موقعیت منطقه‌ای ایران

موقعیت منطقه‌ای ایران پس از این جنگ بنا بر پیوند خاص معنوی دیرینه با حزب‌الله لبنان ارتقا یافت که در اینجا به برخی از شاخص‌های آن اشاره می‌گردد:

۱. ارتقای جایگاه نظامی و اطلاعاتی ایران؛
۲. افزایش توانایی تأثیرگذاری در روند صلح خاورمیانه؛
۳. تقویت جریان‌های اسلام‌گرای مورد حمایت ایران؛
۴. افزایش توان بازدارندگی ایران؛
۵. افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در معادلات مهم منطقه‌ای. (شفیعی و مرادی، ۱۳۸۷: ۵۷ - ۵۲)

#### دو. گسترش نفوذ مردمی حزب‌الله در داخل و خارج

۱. داخلی: دفاع حزب‌الله از لبنان در مقابل متجاوزان، باعث شد بسیاری از اهل تسنن در کنار حزب‌الله قرار بگیرند و به حمایت از آنها بپردازند؛ در خلال جنگ ۳۳ روزه و پس از آن، مسیحیان که در گذشته با شیعیان به ویژه حزب‌الله روابط خوبی داشتند، بیش از پیش به حزب‌الله نزدیک شدند. در دوران جنگ نیز امیل لحود رئیس‌جمهور به طور گسترده‌ای از مقاومت حمایت کرد. افکار عمومی مسیحیان نیز بیش از پیش از حزب‌الله حمایت کردند. سرعت و مدیریت حزب‌الله در بازسازی پس از جنگ نیز باعث گسترش نفوذ در مردم لبنان به ویژه مردم منطقه جنگ زده شد.

۲. خارجی: پیروزی استراتژیک حزب‌الله، جایگاه غیر قابل‌تصور برای این حزب شیعی ایجاد کرد. اکنون این حزب الهام‌بخش جهان عرب در زمینه مقاومت و مبارزه علیه دشمنان ملت عرب و مسلمان می‌باشد. اعلام آمادگی ده هزار نفر از اعضای اخوان المسلمین مصر برای اعزام به جبهه لبنان و ثبت‌نام یک میلیون عراقی برای اعزام به جنگ، از جمله حمایت‌های مردم جهان عرب بود. این نفوذ حتی در بین کشورهای غیر مسلمان نیز مشاهده شد. در طول جنگ و پس از آن، ملل دیگر قاره‌ها حتی در آمریکای لاتین در حمایت از حزب‌الله و مقاومت در لبنان، اقدامات گسترده‌ای به ویژه تظاهرات و راهپیمایی انجام دادند. حزب‌الله با این پیروزی نه تنها قلمرو ژئوپلیتیکی خارجی خود را به طرز بی‌سابقه‌ای گسترش داد، بلکه به ملت‌ها این پیام را رساند که هر کجا اعتقاد و ایمان، اراده

و آمادگی وجود داشته باشد، پیروزی و موفقیت دست یافتنی است؛ در نتیجه روحیه امید و اعتماد به نفس مجدداً در ملت‌های مظلوم زنده شد.

#### سه. حزب‌الله و وحدت ملی

در جریان جنگ ۳۳ روزه و بعد از آن، وحدت بین مردم و جریان‌های سیاسی با محوریت مقاومت و رهبری سید حسن نصرالله به طور چشمگیری افزایش یافت. این مهم را می‌توان در دو محور جریان‌های شیعه و جریان‌های غیر شیعه مشاهده کرد. در محور اول می‌توان به اتحاد بین امل و حزب‌الله اشاره کرد؛ دو جریان شیعه، یعنی امل و حزب‌الله در این جنگ و پس از آن، تمام اختلافات را کنار گذاشته، به صورت اجزای یک واحد عمل کردند.

در محور دوم باید به این نکته اشاره کرد که بسیاری از قربانیان مقاومت، غیر شیعی بودند. رهبری حزب‌الله، جنگ اخیر را با عنوان یک بحران ملی و مقاومت را با عنوان دفاع از لبنان و تمامیت ارضی آن مطرح کرد. در جنگ ۳۳ روزه وحدت‌گرایی سیدحسن نصرالله به طور کامل مورد تأیید امیل لحود رئیس‌جمهور وقت لبنان بود. وی جنگ را جنگ بین لبنان و اسرائیل اعلام کرد. امیل لحود اظهار کرد: «بدون حزب‌الله، لبنانی وجود نخواهد داشت». سید حسن نصرالله در حالی که رهبری یک گروه شیعی را بر عهده داشت، باب مذاکره و دوستی را به روی همه جریان‌ها و گروه‌هایی که با اسرائیل ارتباط مستقیم نداشته باشند، باز گذاشت. سخنان وی در جنگ به قدری متواضعانه بود که پیروزی به دست آمده را متعلق به لبنان می‌دانست. همین موضع وی باعث شد دیدگاه‌های او مورد پذیرش همه اقوام در لبنان حتی مسیحی‌ها، دروزی‌ها و سنی‌ها قرار گیرد.

تجمع بی‌سابقه و میلیونی بعد از جنگ که به دعوت حزب‌الله انجام شد، شاهدی بر این مدعاست. در این تجمع از همه طوایف لبنان حضور داشتند. پاسخ مثبت ملت لبنان به این فراخوانی سید حسن نصرالله، تبلور اراده و وحدت ملی بود که در گذشته در این حد و اندازه و با محوریت یک گروه شیعی، سابقه نداشت.

#### چهار. تغییر آرایش سیاسی

از جمله راهبردهای آمریکا و اسرائیل، افزایش فشارهای همزمان با فشارهای نظامی از طریق ائتلاف ۱۴ مارس بود؛ با این حال نتایج جنگ موجب شد موضع حزب‌الله و هم‌پیمانانش همچون امل، میشل عون و امیل لحود در برابر مخالفان تقویت گردد و شاهد تغییر موازنه قوا در آرایش سیاسی لبنان باشیم. آمریکا و اسرائیل و برخی از کشورهای اروپایی به دنبال خلع سلاح حزب‌الله بودند که نه تنها این هدف محقق نشد، بلکه بعد از جنگ توان مقاومت بیش از پیش افزایش یافت.



### پنج. افزایش امنیت و توان بازدارندگی لبنان

رژیم صهیونیستی در گذشته بارها به لبنان حمله کرده است و سالیان متمادی این کشور را تحت اشغال خود داشته است. اما با ایجاد هسته‌های اولیه حزب‌الله، رژیم صهیونیستی مانع جدی‌ای بر سر راه تجاوزاتش احساس کرد. با افزایش قدرت حزب‌الله این مانع جدی‌تر شد تا اینکه سرانجام جنگ ۳۳ روزه اثبات کرد قدرت بازدارندگی حزب‌الله به طور بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. (تلاشان، ۱۳۸۸: ۲۵ - ۱۸)

### نحوه پخش گفتمان سیاسی شیعه در لبنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

در رابطه با چگونگی پخش این پیام، باید گفت که برای انتشار یک جنبش معطوف به ارزش‌انواعی از کانال‌های ارتباطی باید در دسترس باشد و هر چه امکان ارتباط بیشتر باشد، باور جمعی زودتر گسترش و انتشار می‌یابد. (صباغ جدید، ۱۳۸۶: ۵۵) لذا نقش انواع مدل‌های پخش در این میان برجسته می‌شود.

تأثیرپذیری گفتمان سیاسی شیعه لبنان از ایران قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بیشتر به روش پخش جابه‌جایی و از طریق افراد و شخصیت‌هایی بوده که به آنجا مهاجرت کرده‌اند و بعد از ناپدید شدن امام موسی صدر این کار به کمک سپاه پاسداران ادامه یافت.

پس به طور کلی، تأثیرپذیری گفتمان سیاسی شیعه لبنان از انقلاب اسلامی ایران، ایجاد گفتمان مقاومت بود. نحوه انتقال این تأثیرپذیری، بیشتر به شیوه پخش جابه‌جایی بود. در تعریف تئوری پخش از سه نوع پخش جابه‌جایی، سلسله‌مراتبی و سرایتی یا واگیردار یاد کردیم. با توجه به بررسی‌های انجام شده در این کار و با توجه به اینکه لبنان هم مرز با ایران نبوده، لذا پخش سرایتی نیز نقش خیلی مهمی در این میان ندارد؛ زیرا این نوع پخش به شدت تحت تأثیر فاصله قرار دارد. البته این نوع پخش کاملاً هم رد نمی‌شود؛ زیرا به هر حال، لبنان هم در منطقه خاورمیانه واقع شده و فاصله آن قدرها هم زیاد نیست، ولی با توجه به سیر تحولات به وجود آمده در گفتمان سیاسی شیعه، مشاهده می‌شود که این نوع پخش نقش مهمی ندارد.

در رابطه با پخش سلسله‌مراتبی نیز باید گفت که انتقال ایده‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر، یا از شهر مرکزی به شهرهای دیگر، امری است که همواره رخ می‌دهد و لبنان نیز از این قاعده مستثنا نبوده، ولی در لبنان، این امر در روند تکمیل پخش جابه‌جایی رخ داد؛ یعنی ابتدا از طریق پخش جابه‌جایی این تأثیر منتقل شده و سپس به وسیله پخش سلسله‌مراتبی تکمیل شده و از مراکز اصلی که گفتمان به وسیله فرد یا گروه حامل اندیشه در آنجا گسترش یافته به بقیه جاها سرایت کرده است.

انتقال اندیشه‌های گفتمان سیاسی شیعه ایران به لبنان، در ابتدای امر، به وسیله امام موسی صدر و دکتر چمران و بعد سپاه پاسداران انجام یافت که این شیوه، شیوه پخش جابه‌جایی است و سپس به وسیله پخش سلسله مراتبی در کل جامعه لبنان سرایت کرد.

در این انتقال، مبدأ پخش، ایران و مقصد آن، لبنان و خصوصاً مناطق شیعه‌نشین آن بوده است و لذا محیط به دلیل یکسان بودن اصول و ارزش‌های بنیادین شیعه در دو قسمت مبدأ و مقصد، محیط پذیرایی محسوب می‌گردد. موضوع پخش، دال هژمونیک شده گفتمان سیاسی شیعه (یعنی همان نهضت عاشورایی امام حسین علیه السلام) است که توسط امام خمینی به صورت گفتمان غالب در ایران درآمده است.

### نتیجه

علی‌رغم اینکه شیعیان در جامعه لبنان از لحاظ جمعیت دارای اکثریت بودند، ولی عملاً نسبت به سایر ادیان در محرومیت به سر می‌بردند که این ناشی از ناآگاهی طایفه شیعه در جامعه لبنان نسبت به سایر طوایف بوده است. تجدید حیات شیعیان و رشد آگاهی در میان آنها توسط امام موسی صدر، جرقه خورده بود و به برکت فعالیت مؤثر وی برای شیعیان، آنها توانستند به مجلس مستقل در جامعه لبنان دست یافته و از تحت یوغ فتودال‌های شیعه جدا شوند. گرچه با ناپدید شدن وی، شیعیان با مشکل بزرگی مواجه شدند، ولی آگاهی ایجاد شده توسط امام موسی صدر زمینه تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران را برای شیعیان فراهم کرد. از آنجایی که آنها سال‌ها طعم تلخ مظلومیت و محرومیت را کشیده بودند، بیش از همه ملت‌های مستضعف جهان، از پیروزی یک انقلاب شیعی با داعیه استکبارستیزی و مبارزه با استعمار استقبال کرده و به طرفداری از آن پرداختند. آنها این انقلاب را مایه امید خود برای رسیدن به جایگاه خود در جامعه لبنان می‌پنداشتند. این امید تا جایی بوده است که مصطفی چمران می‌گوید:

اگر پیروزی انقلاب اسلامی ایران نبود، زندگی بر مردم شیعه لبنان محال می‌شد. مردم لبنان به انقلاب ایران چشم دوخته و به خصوص مردمی که زیر گلوله‌های اسرائیل و زجر شکنجه استعمار بودند، ارزش انقلاب ایران را دانسته و بزرگترین تظاهرات را در لبنان در پشتیبانی از انقلاب اسلامی انجام دادند. (طاهری، ۱۳۸۸: ۲۴۹)

جنبش‌های اسلامی پس از انقلاب ایران، اصولی همچون جهاد، شهادت، و فداکاری را - که سمبل حرکت‌های انقلابی شیعیان و شعار انقلاب اسلامی بود - به عنوان اصول اساسی و به صورت تکلیف و فریضه دینی پذیرفته و تأثیرپذیری شیعیان لبنان از آموزه‌های انقلاب اسلامی، از جمله عوامل مؤثر در گرایش آنها به استفاده از الگوهای مقاومت و کاربرد روش‌های قهرآمیز برای رهایی از ظلم حاکمان و استعمار خارجی به شمار می‌رود. در نتیجه عملیات فزاینده مقاومت اسلامی بود که

فشار داخلی برای خروج از جنوب در اسرائیل بالا گرفت به طوری که هیچ حاکمی در اسرائیل نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. (سوید، ۱۳۷۹: ۹۸)

در واقع ریشه این فرهنگ در شیعه، به قیام امام حسین علیه السلام برمی‌گردد. این قیام به عنوان نماد جهاد در راه اسلام و مبارزه برای حق و به عنوان آرمان شیعه مطرح می‌باشد که امام خمینی پس از قرن‌ها تلاش علمای شیعه، توانست آن را به عنوان گفتمان سیاسی شیعه به پیروزی برساند. (طاهری، ۱۳۸۸: ۲۵۲)

در رابطه با چگونگی تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در لبنان و تحلیل گفتمانی این تأثیرگذاری، باید گفت که انتقال پیام‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی به لبنان کمی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و همزمان با متحول شدن گفتمان سیاسی شیعه در ایران، از طریق شخصیت‌ها و افرادی چون امام موسی صدر و دکتر چمران آغاز شد. امام موسی صدر با تشخیص درست اوضاع و شرایط لبنان و وضعیت شیعیان آنجا توانست با جذب دال‌های شناور شیعه و ترکیب آنها در یک زنجیره هم‌ارزی مناسب، یک گفتمان سیاسی فعال پدید آورد. سیر حرکت این گفتمان در جهت مبارزه با ظلم و ستم و تغییر وضعیت اسفبار شیعیان آنجا بود، اما با ناپدید شدن امام موسی صدر و به وجود آمدن خلاء رهبری، این روند با وقفه مواجه شد. پیروزی انقلاب اسلامی پس از این حادثه، نور امیدی در دل شیعیان ایجاد کرد.

مفاهیمی مانند جهاد، شهادت و ... که از عناصر تفکر شیعی و در حوزه گفتمانی آن قرار داشتند، ولی تا آن زمان نتوانسته بودند به یک وقته گفتمانی تبدیل شوند، با تأثیرپذیری از این تحول و تأثیر رهبری امام خمینی علیه السلام، در یک شبکه معنایی جدید که بر اساس احیای نهضت عاشورایی امام حسین علیه السلام به وجود آمده بود، جذب شده و سبب به وجود آمدن گفتمان مقاومت شدند. این گفتمان بر اساس نیاز جامعه لبنان، به خصوص جامعه شیعیان آن بوده و هدف اصلی آن مبارزه با ظلم و استکبار و خصوصاً اسرائیل است.

شیعیان لبنان، به وسیله احساس یگانگی ایدئولوژیک با ایران که پس از اقدامات صدر و وقوع انقلاب ایران رخ داد، توانستند طی دوره‌ای سی ساله، نقش خود را در جامعه و مهم‌تر از آن، شکل رهبری‌شان را به گونه‌ای بهت‌آور تغییر دهند. جامعه‌ای که تحت سلطه یک نظام فئودالی با حاکمیت زعما (فرمانروایان مستبد محلی و سنتی) رنجور شده بودند، توانست این رهبران فئودال و قبیله‌ای را به نفع رهبران امروزی، مردمی و بسیج‌کننده کنار گذارد. این رهبران جدید درکی روشن از جامعه شیعه و اهدافی متکی بر ارزش‌های شیعه دارند. (همان: ۴۰۵) نمود عینی این شکل رهبری را در حال حاضر می‌توان در حزب‌الله لبنان و رهبر آن سید حسن نصرالله دید. وی مقید به ولایت فقیه و تحت تأثیر پیام‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی قرار دارد.

## منابع و مآخذ

۱. اسپوزیتو، جان ال، ۱۳۸۶، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۲. اسماعیلی، علی و حمید نیکو و مهدی گل محمدی، ۱۳۹۱، *مبانی، زمینه‌ها و پیامدهای ژئوپلتیک بیداری اسلامی*، تهران، سوره.
۳. امرایی، حمزه، ۱۳۸۳، *انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. ای فولر، گراهام و فرانکه رند رحیم، ۱۳۸۴، *شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده*، ترجمه خدیجه تبریزی، قم، انتشارات شیعه‌شناسی.
۵. برزگر، ابراهیم، ۱۳۸۲، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، شماره ۸، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۶. تلاشان، حسن، ۱۳۸۸، «ژئوپلتیک شیعه در لبنان قبل و بعد از جنگ ۳۳ روزه»، *فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی*، سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان ۸۸.
۷. تلاشان، حسن، ۱۳۸۹، «دورنمای ژئوپلتیک شیعه در عراق»، سال هشتم، شماره ۳۱، *فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی*، پاییز ۸۹.
۸. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، *انقلابی متمایز: جستارهایی در انقلاب اسلامی ایران*، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
۹. حقیقت، صادق، ۱۳۸۷، *روش‌شناسی علوم سیاسی*، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
۱۰. رحمانی، شمس‌الدین، ۱۳۸۱، *لولای سه قاره*، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
۱۱. زمانی محجوب، حبیب و حسین مهربان، ۱۳۹۱، «چرایی و چگونگی بازخیزش و نقش آفرینی شیعیان منطقه»، *مجموعه مقالات همایش ژئوپلتیک*، تهران، ۱۶ و ۱۷ آبان.
۱۲. درگاهی، عمران، ۱۳۸۱، *انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در جهان*، تهران، معاونت آموزشی نیروی مقاومت بسیج سپاه.
۱۳. سوید، محمود، ۱۳۷۹، *جنوب لبنان در رویارویی با اسرائیل*، تهران، نشر آمن.
۱۴. شفیعی، نوذر و احمد مرادی، ۱۳۸۷، «تأثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر موقعیت منطقه‌ای ایران»،

فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۱.

۱۵. شکوئی، حسین، ۱۳۸۸، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، ج ۱، تهران، هامون.
۱۶. صباغ جدید، جواد، ۱۳۸۶، انقلاب اسلامی جنبشی معطوف به ارزش، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۷. طاهری، سید مهدی، ۱۳۸۸، بازتاب انقلاب اسلامی بر شیعیان لبنان، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۷۶، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۹. عضدانلو، حمید، ۱۳۸۰، گفتمان و جامعه، تهران، نشر نی.
۲۰. فراتی، عبدالوهاب و مهدی طاهری، ۱۳۸۷، «نقش امام موسی صدر در ارتقای جایگاه شیعیان لبنان»، نشریه شیعه‌شناسی، زمستان، شماره ۲۴.
۲۱. فلاح‌نژاد، علی، ۱۳۸۴، سیاست صدور انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۲. فوزی، یحیی، ۱۳۸۸، «جایگاه دین در عرصه علوم انسانی در ایران بعد از انقلاب: گفتمان‌ها و راهبردها»، پژوهشنامه متین، شماره ۴۳.
۲۳. کچویان، حسین، ۱۳۹۱، انقلاب اسلامی ایران و انفتاح تاریخ، تهران، سوره.
۲۴. کدیور، جمیله، ۱۳۷۹، تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۵. کمالی اردکانی، علی‌اکبر، ۱۳۸۶، «انقلاب اسلامی و تعالی گفتمان سیاسی شیعه»، فصلنامه پژوهشی انقلاب اسلامی، شماره ۵.
۲۶. لینکلتر، آندرو، ۱۳۸۵، ماهیت و هدف نظریه روابط بین‌الملل، ترجمه لیلا سازگار، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۷. میلز، سارا، ۱۳۸۸، گفتمان، ترجمه فتاح محمدی، زنجان، نشر هزاره سوم.
۲۸. نانت، ژاک، ۱۳۷۹، تاریخ لبنان، ترجمه اسدالله علوی، مشهد، چاپ آستان قدس رضوی.
۲۹. نوری، داوود، ۱۳۸۹، شیعیان لبنان (وضعیت سیاسی - اجتماعی پس از انقلاب اسلامی ایران)، قم، شیعه‌شناسی.

## الثورة الإسلامية الإيرانية والخطاب السياسي الشيعي في لبنان

غلام رضا خواجه سروى \*

مريم رحمنى \*\*

### الخلاصة

الهاجس الاساس الذى ينطلق منه البحث هو الاجابة على هذا السؤال: ما هي انعكاسات الثورة الإسلامية في ايران على الخطاب السياسي الشيعي في لبنان؟ ومن اجل ذلك، سعى الكاتبان ومن خلال استخدام منهجى الخطاب عند لاكلاموف ونظرية التوزيع، الى تقديم نموذج تحليلي يمكن من خلاله تقييم الفرض الاساس الذى يقوم عليه البحث، وهوان تأثيرات الثورة الإسلامية في ايران انعكست علي الشيعة فى لبنان وأدت الي زيادة دينامية ونشاط وثوربة الفكر السياسي للشيعة هناك. ولاثبات هذا الفرض تمت دراسة سلطة وهيمنة فكرة مناهضة الاستكبار وظهور خطاب المقاومة الذى تجلي في حزب الله لبنان.

### المصطلحات الاساسية

الثورة الإسلامية الإيرانية، الخطاب السياسي الشيعي، لبنان، خطاب المقاومة.

khajehsarvy@yahoo.com

m22aryam@yahoo.com

\*. استاذ معيد فى جامعة علامة طباطبايى.

\*\* طالب دكتوراه فى جامعة خوارزمى.